

## نقش واسطه‌ای دشواری تنظیم هیجان در رابطه بین آسیب‌های دلبستگی و اختلال‌های جنسی

### The mediating role of emotion regulation difficulty on the relationship between attachment pathologies and sexual disorders

Mohammad Ali Besharat

University of Tehran

Sharareh Abdollahkhani

Clinical Psychology

Masoud Gholamali Lavasani

University of Tehran

دکتر محمد علی بشارت\*

دانشگاه تهران

شراره عبدالله‌خانی

روانشناسی بالینی

مسعود غلامعلی لواسانی

دانشگاه تهران

چکیده: شناخت متغیرهای تأثیرگذار بر پدیدآیی اختلال‌های جنسی اهمیت بسزایی دارد. آگاهی از شیوه عملکرد و رابطه این متغیرها با یکدیگر در حوزه پیشگیری و درمان اختلال‌های جنسی می‌تواند به‌زیستی زندگی زوجی را بهبود بخشد و هزینه‌های تحمیل‌شده روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آن را کاهش دهد. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای دشواری تنظیم هیجان در رابطه بین آسیب‌های دلبستگی و اختلال‌های جنسی بود. چهارصد و پنجاه نفر (۲۲۷ زن، ۲۲۳ مرد) دارای اختلال جنسی در این پژوهش شرکت کردند. شرکت‌کنندگان مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI)، مقیاس دشواری تنظیم هیجان (DERS) و پرسشنامه وضعیت جنسی گلوبک-راست (GRISS) را تکمیل کردند. نتایج پژوهش نشان داد که آسیب‌های دلبستگی با اختلال‌های جنسی و دشواری تنظیم هیجان رابطه مثبت معنادار داشتند. دشواری تنظیم هیجان نیز با اختلال‌های جنسی رابطه مثبت معنادار داشت. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که دشواری تنظیم هیجان در رابطه بین آسیب‌های دلبستگی و اختلال‌های جنسی نقش واسطه‌ای دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نقش دلبستگی ایمن و تأثیر آن بر مکانیسم تنظیم هیجان و در نتیجه بر عملکرد جنسی را تأیید کرد. استفاده از این یافته‌ها در زمینه پیشگیری از اختلال‌های جنسی و درمان اختلال‌های جنسی زوجین از دستاوردهای عملی این پژوهش محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: پیوند عاطفی، دلبستگی، اختلال جنسی، تنظیم هیجان، زوج‌درمانی

*Abstract:* Identifying factors behind sexual disorders is of paramount importance. Knowing how these variables work and impinge on each other can improve the quality of couple's sexual life, and reduce the psychological and sociological costs of prevention and treatment of sexual disorders. The present study aimed to examine the mediating role of emotion regulation difficulties and their impact on the relationship between attachment pathologies and sexual disorders. A total of 450 individuals with sexual disorders (227 females, 223 males) participated in this study. Participants completed the Adult Attachment Inventory (AAI), Difficulties in Emotion Regulation Scale (DERS), and Golombok-Rust Inventory of Sexual Satisfaction (GRISS). The results indicated that attachment pathologies had a significantly positive association with sexual disorders and emotion regulation difficulties. Emotion regulation difficulties also showed a significantly positive association with sexual disorders. The results of path analysis revealed that the relationship between attachment pathologies and sexual disorders was mediated by difficulties in emotion regulation. Based on the results of the present study the impact of secure attachment on both emotion regulation mechanisms and sexual functioning was approved. Using the findings of the present study to prevent sexual disorders as well as treatment of couples' sexual disorders in couples can be considered as practical implications of the study.

*Keywords:* affective bond, attachment, sexual disorder, emotion regulation, couple therapy



پاسخ جنسی در انسان است و دشواری تنظیم هیجان با برانگیختن اضطراب، سبب توقف عملکرد این سیستم می‌شود و با فعال‌سازی سیستم سمپاتیک و راه‌اندازی محور هیپوتالامیک-هیپوفیز-آدرنال<sup>۹</sup> (HPA) موجب اختلال در کارکرد بهینه‌ی پاسخ جنسی و در نتیجه، اختلال در روابط زوجه می‌شود (سلیگمن و همکاران، ۲۰۰۱؛ فوگلمن و کانلی، ۲۰۱۸؛ گرتز و رومر، ۲۰۰۴). یکی از هدف‌های پژوهش حاضر، بررسی رابطه آسیب‌های دلبستگی و اختلال‌های جنسی است. اما آیا این رابطه یک رابطه ساده است یا متغیرهای دیگری ممکن است در رابطه بین آنها نقش واسطه‌ای ایفا کنند؟ پاسخ به این پرسش مهم، هدف دیگر پژوهش حاضر است و بر اساس آن نقش واسطه‌ای دشواری تنظیم هیجان در رابطه بین آسیب‌های دلبستگی و اختلال‌های جنسی بررسی می‌شود.

کیفیت دلبستگی نخستین به مراقب به‌عنوان پایه و اساس ظرفیتی برای تنظیم هیجان و متعاقب آن، تنظیم رفتار است (میکولینسر و شیور، ۲۰۱۸). تنظیم هیجان ذاتا سازگارانه یا ناسازگارانه نیست (گرتز و رومر، ۲۰۰۴؛ گراس، ۲۰۰۲) و هرچند که افراد عموماً سبک تنظیم هیجان سازگارانه یا ناسازگارانه باثبات و پایداری را به‌وجود می‌آورند، ولی در بیشتر مواقع مطابق با موقعیت‌ها و هیجان‌های مختلف، از دامنه متنوعی از سبک‌های تنظیم هیجان بهره می‌برند. تنظیم هیجان سازگارانه، به فرد اجازه می‌دهد تا عملکردی موفقیت آمیز در محیط داشته باشد (بربجز، دنهام و گانیبان، ۲۰۰۴). فردی که به شیوه‌ی ارادی و کنترل‌شده از تنظیم هیجان سازگارانه بهره می‌برد، در صورت برخورد با تجربه‌های هیجانی دشوار، درحالی‌که به هیجان‌ها اجازه می‌دهد تا سیر عادی خود را طی کنند، توانمندی این را نیز دارد تا به اندازه کافی این هیجان‌ها را کنترل نماید و به رفتارهای معطوف به هدف ادامه دهد (گرتز و تول، ۲۰۱۰؛ گرتز و رومر، ۲۰۰۴). تنظیم هیجان سازگارانه از طریق مهارت‌های زیربنایی تنظیم هیجان که شامل آگاهی هیجانی، پذیرش هیجانی و استفاده از راهبردهای تنظیم شناختی هیجان است، حاصل می‌شود (گرتز و تول، ۲۰۱۰). فردی که از تنظیم هیجان ناسازگارانه استفاده

حساسیت<sup>۱</sup>، ثبات<sup>۲</sup>، قابلیت اعتماد<sup>۳</sup>، هماهنگی<sup>۴</sup> و ظرفیت جذب<sup>۵</sup> نگاره دلبستگی<sup>۶</sup> (مادر) است و به همین روی، نقشی بنیادین در تحول روانی، هیجانی، اجتماعی و شخصیتی فرد در طول زندگی ایفا می‌کند (فیتون، ۲۰۱۲). ادراک فرد از خود، تحت تأثیر تجربه‌های اولیه‌ی دلبستگی شکل می‌گیرد. تجربه‌هایی که از تعامل‌های نابسنده و نابهنجار مادر(مراقب)-کودک سرچشمه گرفته باشد، روان‌سازه‌های آسیب‌زای مربوط به خود، جهان و واقعیت را پایه‌گذاری می‌کند (دنسی، ۲۰۱۸؛ شیور، میکولینسر و کسیدی، ۲۰۱۸). سبک دلبستگی نه فقط تجارب انسانی را در دوره‌ی کودکی، بلکه در تمام گستره‌ی عمر و همه‌ی سنین متأثر می‌سازد. تداوم تأثیر سبک‌های دلبستگی در سنین مختلف در پژوهش‌های متعدد و در دو گستره‌ی تحول بهنجار و نابهنجار تأیید شده است (بشارت، ۱۳۸۵ الف و ۱۳۸۸؛ بشارت، ۲۰۰۳؛ دایموند، بریمهال و البوت، ۲۰۱۸) و پژوهش درباره افراد مبتلا به اختلال‌های روان‌پزشکی و روان‌شناختی تأیید کرده است که این بیماران از ویژگی‌های دلبستگی نایمن، مخصوصاً اضطراب و اجتناب رنج می‌برند (بشارت، ۱۳۸۳؛ بشارت، عسگری، علی‌بخشی و موحدی‌نسب، ۱۳۸۹؛ بشارت و فیروزی، ۱۳۸۵؛ مک‌گیر، گیلث، جکسون و اینگرام، ۲۰۱۸).

عوامل روان‌شناختی و آسیب‌های روانی از جمله دلبستگی نایمن، به‌طور قابل‌توجهی بر میل جنسی، برانگیختگی، و ارگاسم تأثیر می‌گذارند و در ایجاد و تداوم بسیاری از اختلال‌های جنسی مؤثرند (باربارو، هولاب و شاکلفورد، ۲۰۱۸؛ بارنز، دادسون، وود، توماس و کیمبرلی، ۲۰۱۷؛ بشارت، ۱۳۹۰، ۲۰۰۳). یکی از شیوه‌های این تأثیرگذاری، حالات هیجانی منفی است که مستقیماً روند پاسخ‌دهی جنسی را مختل می‌کند (باربارو و همکاران، ۲۰۱۸؛ سلیگمن و همکاران، ۲۰۰۱؛ مسترز و جانسون، ۱۹۶۶). بخش فیزیولوژیک پاسخ جنسی، خودکار و غریزی<sup>۷</sup> است و از طریق سیستم عصبی پیرامونی<sup>۸</sup> عمل می‌کند و با افزایش جریان خون در اندام‌های تناسلی، تحت کنترل سیستم عصبی پاراسمپاتیک سبب آغاز روند پاسخ جنسی می‌شود. کارکرد سیستم پاراسمپاتیک، اساس

6. attachment figure  
7. Autonomic Nervous System (ANS)  
8. Peripheral Nervous System (PNS)  
9. hypothalamic-pituitary-adrenal axis

1. sensitivity  
2. consistency  
3. reliability  
4. attunement  
5. containment



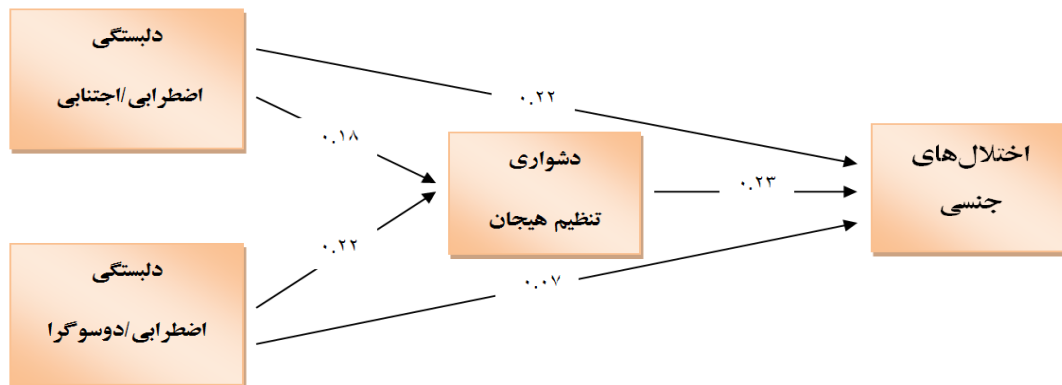












شکل ۱. مسیر نهایی مدل، بر حسب ضرایب استاندارد برآورد

می‌کنند، زیرا فردی که احساس فقدان حمایت در مقابله با تهدید را تجربه می‌کند، تمایل دارد که بر نیازهای دلبستگی تمرکز کند و این تمرکز او را فاقد توجه و منابع لازم برای درگیر شدن با فعالیت دیگر می‌کند (بالبی، ۱۹۶۹/۱۹۸۲؛ به نقل از فرالی و شیور، ۲۰۰۸) و از آنجایی که در یک رابطه زوجی، فرد به صورت هشیار و ناهشیار تمایل دارد که به تجربه دلبستگی با زوج خود نائل شود، به همین روی وی را به جایگاه نگاره دلبستگی برکشیده و در این هنگام است که بازنمایی‌های سبک‌های دلبستگی، راه‌اندازی شده و در نتیجه همان پاسخ‌هایی را در پی خواهد داشت که همواره از مجرای مدل‌های درون‌کاری فرد عبور می‌کرده است (پیتمن و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین، می‌توان در نظر گرفت که در افراد واجد دلبستگی‌های ناایمن، به دلیل احساس ناامنی تجربه‌شده در هنگام رابطه جنسی، پاسخ‌های جنسی کارآمد و سالم با اختلال مواجه می‌شود، به طوری که دلبسته‌های اجتنابی همواره عواطف خود را بازداری می‌کنند و دلبسته‌های دوسوگرا در همه حال در ترس طرد شدن به سر می‌برند (بارنز و همکاران، ۲۰۱۷؛ بیرنهام و همکاران، ۲۰۰۶؛ بشارت، ۱۳۹۰؛ تریسی و همکاران، ۲۰۰۳). به همین روی می‌توان تأثیر منفی سبک‌های دلبستگی و مدل‌های درون‌کاری ناایمن در هر مرحله از فرایند پاسخ جنسی میل، برانگیختگی و ارگاسم را توجیه کرد. نتایج این پژوهش رابطه مثبت میان آسیب‌های دلبستگی و دشواری تنظیم هیجان و همچنین دشواری تنظیم هیجان و اختلال‌های جنسی را در کنار نقش واسطه‌ای دشواری تنظیم

## بحث

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای دشواری تنظیم هیجان در رابطه‌ی بین آسیب‌های دلبستگی و اختلال‌های جنسی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین آسیب‌های دلبستگی و اختلال‌های جنسی رابطه مثبت وجود دارد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های پیشین (باربارو و همکاران، ۲۰۱۸؛ بارنز و همکاران، ۲۰۱۷؛ بشارت، ۱۳۹۰، ۲۰۰۳) همسو است. این نتیجه را بر حسب چند احتمال می‌توان تبیین کرد. پاسخ سالم و کارآمد جنسی در انسان، در هر سه مرحله میل، برانگیختگی، و ارگاسم و تجربه جنسی کامل، مستلزم بستری از رابطه است که زوجین در آن احساس امنیت و نزدیکی به یکدیگر داشته و عواطف خود را بازداری نکنند (بشارت، ۱۳۹۰؛ مسترز و جانسون، ۱۹۶۶، ۱۹۷۰). بسیاری از روابط زوجی بزرگسالان، همانند رابطه دلبستگی مراقب-کودک است و در یک رابطه زوجی، هدف هشیار و ناهشیار فرد این است که با زوج خود به تجربه پایگاه امن دست یابد (پیتمن، کیلی، کرپلمان و واون، ۲۰۱۱)، اما تجربه نگاره‌های دلبستگی دسترس‌ناپذیر و غیر پاسخ‌گو در دوران کودکی که سبب‌ساز آسیب‌های دلبستگی است (بالبی، ۱۹۶۹/۱۹۸۲؛ به نقل از فرالی و شیور، ۲۰۰۸)، مدل‌های درون‌کاری ناایمنی را برای فرد در پی خواهد داشت که در تمام زندگی، بر کنش‌ها و واکنش‌های وی تأثیرگذار خواهد بود (بشارت، ۱۳۹۰). نگاره‌های دلبستگی دسترس‌ناپذیر و مدل‌های درون‌کاری ناایمن در کودکی فعالیت‌های دیگر سیستم‌های رفتاری را بازداری







- distress and subjective well-being. *Child Abuse & Neglect*, 76, 297-309.
- Dansby, R. A. (2018). *Multi-Method Process Analyses of Attachment Style Change in Adulthood*. Doctoral dissertation, Texas Tech University.
- Diamond, L. M., & Aspinwall, L. G. (2003). Emotion regulation across the life span: An integrative perspective emphasizing self-regulation, positive affect, and dyadic processes. *Motivation and Emotion*, 27, 125-156.
- Diamond, R. M., Brimhall, A. S., & Elliott, M. (2018). Attachment and relationship satisfaction among first married, remarried, and post-divorce relationships. *Journal of Family Therapy*, 40, 111-127.
- Erickson, D. H. (2018). *From Parents to Partners: The Journey through Siblings and Peers*. Doctoral dissertation, The University of Arizona. USA.
- Fitton, V. A. (2012). Attachment theory: History, research, and practice. *Psychoanalytic Social Work*, 19, 121-143.
- Fogelman, N., & Canli, T. (2018). Early life stress and cortisol: A meta-analysis. *Hormones and Behavior*, 98, 63-76.
- Fraley, R. C., & Shaver, P. R. (2008). Attachment theory and its place in contemporary personality theory and research. In O. P., John, R. W., Robins, & L. A. Pervin. (Eds.), *Handbook of Personality: Theory and Research* (3<sup>rd</sup> ed., pp. 518-541). New York, NY: Guilford Press.
- Garnefski, N., & Kraaij, V. (2006). Cognitive emotion regulation questionnaire-development of a short 18-item version (CERQ-short). *Personality and Individual Differences*, 41, 1045-1053.
- Gratz, K. L., & Roemer, L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 26, 41-54.
- Gratz, K. L., & Tull, M. T. (2010). Emotion regulation as a mechanism of change in acceptance and mindfulness-based treatments. In R. A., Baer. (Ed.), *Assessing mindfulness and acceptance: Illuminating the processes of change* (pp. 107-134). Oakland, CA: New Harbinger Publications.
- Greenberg, L. S., & Bolger, E. (2001). An emotion-focused approach to the overregulation of emotion and emotional pain. *Journal of Clinical Psychology*, 57, 197-211.
- Gross, J. J. (2002). Emotion regulation: Affective, cognitive, and social consequences. *Psychophysiology*, 39, 281-291.
- Gross, J. J. (2015). Emotion regulation: Current status and future prospects. *Psychological Inquiry*, 26, 1-26.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Helbig-Lang, S., Rusch, S., & Lincoln, T. M. (2015). Emotion regulation difficulties in social anxiety disorder and their specific contributions to anxious responding. *Journal of Clinical Psychology*, 71, 241-249.
- Kasalova, P., Prasko, J., Holubová, M., Vrbova, K., Zmeskalova, D., Slepecky, M., . . . Grambal, A. (2017). Anxiety disorders and marital satisfaction. *Neuroendocrinology Letters*, 38, 555-564.
- Kashdan, T. B., Barrios, V., Forsyth, J. P., & Steger, M. F. (2006). Experiential avoidance as a generalized psychological vulnerability: Comparisons with coping and emotion regulation strategies. *Behaviour Research and Therapy*, 44, 1301-1320.
- Kavlak, T., & Hisar, F. (2017). The impact of anxiety on sexual satisfaction in menopausal women. *Journal of Human Sciences*, 14, 2722-2729.
- Klemanski, D. H., Curtiss, J., McLaughlin, K. A., & Nolen-Hoeksema, S. (2017). Emotion regulation and the transdiagnostic role of repetitive negative thinking in adolescents with social anxiety and depression. *Cognitive Therapy and Research*, 41, 206-219.
- Koole, S. L., Tops, M., Strübin, S., Bouw, J., Schneider, I. K., & Jostmann, N. B. (2014). The ego fixation hypothesis: Involuntary persistence of self-control. In J. P., Forgas & E., Harmon-Jones (Eds.), *The control within: Motivation and its regulation* (pp. 95-112). New York, NY: Psychology Press.
- Marques, R., Monteiro, F., Canavarro, M. C., & Fonseca, A. (2018). The role of emotion regulation difficulties in the relationship between attachment representations and depressive and anxiety symptoms in the postpartum period. *Journal of Affective Disorders*, 238, 39-46.
- Masters, W. H., & Johnson, V. E. (1966). *Human sexual response*. Boston: Little Brown.
- Masters, W. H., & Johnson, V. E. (1970). *Human sexual inadequacy*. Boston: Little Brown.
- McGuire, A., Gillath, O., Jackson, Y., & Ingram, R. (2018). Attachment Security Priming as a Potential Intervention for Depressive Symptoms. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 37, 44-68.

